

به نام خداوند جان و خرد

مناسبات یهودیان با ایلخانان مغول

به قلم :

ش. پرنیان

فهرست مطالب.....	شماره
مقدمه.....	۴
بررسی وضعیت یهودیان در امپراطوری ایلخانان.....	۸
بررسی مناسبات یهودیان با امرای ایلخانی.....	۱۳
روابط یهودیان با ارغون و سعدالدوله.....	۱۴
وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی.....	۲۵
بررسی روابط یهودیان با مسلمانان.....	۳۱
نتیجه گیری.....	۳۸
منابع و مآخذ.....	۴۱

## مقدمه :

تاریخ مغول در ایران با حمله چنگیز خان در سال ۶۱ هـ. ق شروع و به سال ۷۳۶ هـ. ق خاتمه می یابد. با حمله مغول به ایران و سقوط خلافت بغداد برای نخستین بار در تاریخ بخش اعظم جهان اسلام خود را تحت حاکمیت قدرتی غیر اسلامی یافت .

در این سال ها با تمرکز بر این مفهوم روشن می گردد، که جدال ایرانیان با مغولان تنها در حوزه نظامی نبود؛ بلکه جدال بزرگتر در حوزه فرهنگ و تمدن به طور کلی و سیاست و کشورداری و اقتصاد و دین و مذهب به وقوع پیوست و پیروزی در حوزه دوم از آن ایرانیان گردید.

اما میدان مبارزه دینی و مذهبی، میدان جدال ساده و یک وجهی نبود، بلکه با دقت تاریخی معلوم می گردد، که جریان های مختلف مذهبی و علائق دینی در تقابل و گاهی تعامل با هم بسر می بردند، و اکثریت مغولان دارای عقایدی بودند که به شمن پرستی شهره است، این اعتقادات نوعی همسویی با عقاید عرفانی پیدا می کرد و به همین دلیل درجاتی از تسامح و تساهل نسبت به ادیانی چون مسیحیت و

یهودیت و اسلام به همراه داشت. از این رو هرکدام از این ادیان در دورانی از حکومت ایلخانان از موقعیت هایی برخوردار شدند.

یهودیان نیز از این امر مستثنی نبودند؛ بنابر این از تسامح اولیه مذهبی ایلخانان برای کسب موقعیت های سیاسی و اقتصادی دربار ایلخانان سود جستند.

بدین ترتیب معلوم می شود که دوره ایلخانان دوره پرتنش وفعالی در مبارزات فکری دینی ومذهبی بود، که علائق مختلف برای پیشبرد اهداف خود در میدان چالش حضور داشتند.

از آنجایی که اقلیت یهودی بومی ایران مانند مسیحیان پایگاه مستقل و نیرومندی از لحاظ ساختار سیاسی و نظامی نداشتند، تلاش کردند از سیاست های مسیحیان برای تقویت خود بهره برداری کنند؛ حتی در مرحله ای موفق شدند، سعدالدوله را از میان خود به وزارت ایلخانان برسانند بررسی فعالیت ها و نقش یهودیان در این مرحله از تاریخ دارای اهمیت زیادی برای تحقق یک تحقیق مستقل است.

حال باید دلایل استیلای یهود بر دستگاه حکومت ایلخانان و دلایل گرایش ایلخانان به یهودیت چه روندی را طی کرده

است و واکنش مردم مسلمان ایران در مقابل این گرایشات  
را بررسی نمود.

بررسی وضعیت یهودیان در ایلخانان  
ایران

## وضعیت یهودیان در ایلخانان ایران

سابقه یهود در ایران نزدیک به سه هزار سال قبل باز می گردد. زمانی که پادشاهی دولت یهود بعد سلیمان برای انتخاب جانشینی دچار مشکل شد و به دو حکومت تحت عناوین شمالی و جنوبی تجزیه شد، با حمله پادشاه بابل بخت النصر اورشلیم ویران شد و بیشتر مردم کشته یا اسیر شدند، وقتی که ایران تحت فرمانروایی کوروش و داریوش پادشاه بابل را شکست داد و دانیال نبی نخست وزیری امپراطوری ایران، نقش میانجیگری قوم اسراییل و معبد را به عهده گرفت. معبد بازسازی شد اما بعد از بازگشت اتحاد بین اسباط پا نگرفت و استقلال پیشین را نیافتند لذا بعد از ایران به ترتیب تحت تسلط یونان- بطلمیوس ها و سلوکی ها- رومیان قرار گرفتند این فراز و نشیب ها تمامی نداشت سرانجام با تخریب معبد یهودیان دچار پراکندگی شدند.<sup>۱</sup>

در واقع نخستین گروه از پیروان عبرانی، حضرت موسی در میان سالهای ۷۴۱ تا ۷۴۹ ق.م در روزگار پادشاهی تیلگلات پلاسر پادشاه مقتدر آشور وارد قلمرو ایران شدند، دومین مرحله ورود اجباری یهودیان به مرزهای ایران، در روزگار فرمانروایی شلمانصر پنجم ۷۲۲-۷۲۸ ق.م پادشاه دیگر آشور صورت گرفت، سومین گروه از تبعیدشدگان یهود در عهد

<sup>۱</sup>- هوشنگی، ل-موسی پور-چفایز، چارلز-جاغستانی، اسماعیل، درباره یهود(بنی اسرائیل، تورات، تلمود) نشر کتاب مرجع، تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۸



سلطنت بخت النصر پادشاه نیرومند بابل وارد ایران شدند و توسط کوروش کبیر از اسارت آزاد شده و گروهی به زادگاه خود و گروهی به ایران آمدند. و آخرین دسته از یهودیان که قبل از اسلام در خاک ایران مسکن گزیدند؛ در سال ۷۹م وارد سرزمین ایران شدند؛ خزرهای یهودی در جنوب روسیه بودند، که قلمروی ایجاد کرده از دنیپیر تا دریای مازندران که بعدها نام خود را بر روی دریاچه خزر نهادند؛ عده ای از این یهودیان به سمت اصفهان رفتند و آنجا شهری به نام جی بنا کردند، که بعدها به یهودیه معروف شد، بعد از ورود اسلام به ایران پیروان موسی مانند گذشته در ایران زندگی می کردند.<sup>۱</sup>

با حمله مغولان به ایران یهودیان در رویارویی مغولان همچون گروه های اجتماعی دیگر لطمات فراوانی دیدند، از آنجا که مردم ایران بیش از سایر ملل دچار مصیبت و خرابی از مغول گشت ناچار اقلیتی که در بین آنها زندگی می کردند نیز از این بلایا و خرابی ها وارده مصون نماندند.<sup>۲</sup>

سرنوشت جامعه یهودیانی که در خدمت دولت وجهه کسب کرده بودند و نظر مردم نسبت به آنان، نحوه رفتار مغولان را

---

۱- مصطفوی، علی اصغر، ایرانیان یهودی، بامپاد، تهران، ۱۳۶۹  
۲- لویی، حبیب، تاریخ یهود ایران، ج ۳، کتابفروشی بروخیم، ۱۳۳۹، ص ۶۹

با یهودیان تعیین می کرد، درباره تراکم جامعه های یهودی در قلمرو ایلخانان اطلاعات دقیقی وجود ندارد، بی تردید توده یهودی در بین النهرین ساکن بودند؛ جایی که آن ها از دیر باز برای خود اجتماعی تشکیل داده بودند. در سال ۶۴۵ ه.ق در موصل و بغداد و شهرهای دیگر معابد متعدد یهودی وجود داشت.<sup>۱</sup>

جامعه یهودی به خوبی این طوفان را تحمل کرده بود و حتی گاه با آن به مقابله پرداخت، چنانکه زمانی چنگیز برای بار دوم به هرات لشکر کشید، شخصیتی یهودی به نام خواجه فخرالدین عبدالرحمن عبرانی صراف که ثروت بسیار و موقعیت اجتماعی مهمی داشت، شهر را در دست گرفت و به همراه سپاهیان مردانه جنگید و موفق شد تا چند روزی هرات را حفظ کند ولی عاقبت شکست خورد و کشته شد.<sup>۲</sup> بعد از استقرار حکومت مغول، مغولان نظر مساعدی نسبت به این فرقه از خود نشان ندادند چنانکه زمانی که منگو قاآن به وضع مالیاتها رسیدگی می کرد و اصلاحاتی در آن به وجود می آورد. روحانیان بودایی و مسیحی و مسلمان را از پرداخت عوارض و مالیات ها معاف کرد؛ ولی این معافیت شامل حال یهودیان نگردید. با این همه جامعه یهود هم

---

۱- اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ص ۲۴۷

۲- بیانی، دین و دولت در عهد مغول، ج ۲، ص ۴۷۷

مانند بقیه ادیان با استفاده از عدم تعصب مغولان نسبت به ادیان توانست به تدریج موقع خود را مستحکم سازد مخصوصاً در دوره ای که مغولان در ایران حکومت ایلخانی را تأسیس کردند.<sup>۱</sup>

با همه فراز و نشیب ها اقلیت های یهودی مذهب ایران در جامعه ایلخانی چندان با سختی روبرو نبودند.<sup>۲</sup>

روابط نزدیک بین مغول و عالم عیسویت مغول ها را نسبت به یهودیان بی تفاوت و بی توجه کرده بود. به ویژه که در خانواده و اندرون مغول ها زنان مسیحی بودند؛ که رابطه خوبی با این فرقه نداشتند؛ از طرفی روابط دوستانه سلاطین مغول با دربار پاپ و سلاطین عیسوی آن زمان هم نشان دهنده کینه و دشمنی آنها با یهودیان بود.<sup>۳</sup>

حکومت ایلخانی تلفیقی از اشکال حکومتداری مغول ها رسوم دولتمداری ایرانیان بود و اقتصاد و معیشت آن ها تحت تأثیر همین مسأله بود؛ قدر مسلم در سراسر عهد ایلخانی این تلفیق اشکال به یک نسبت نبود و بسته به مراحل مختلف زمانی نسبت آن ها به یکدیگر شدت و ضعف داشت. با توجه به ماهیت نظامی ساختار ایلی ایران نظامی وار

---

۱- بیانی، همان، ص ۴۶۷

۲- مصطفوی، ایرانیان یهودی، ص ۶۶

۳- لوی، حبیب، تاریخ یهود ایران، ج ۳، ص ۶۹

اداره می شد. از آن جا که مغول ها تحت تأثیر فرهنگ ایرانی مسلمان نشده بودند. این رویکرد شدیدتر بود.<sup>۱</sup>

در تصادم دو قوم با یکدیگر وقتی که از جهت استعداد فطری و جنس معیشت بین آنها اختلاف کلی باشد؛ معمولاً غلبه با قومی است؛ که قوه تدبیر و تصرف و هنر اداره و سیاستش بیشتر و تمدن و آداب قومی یعنی بنیان زندگی فکری و روحیش به حقیقت متکی تر باشد. هرچند استیلای مغول بسیاری از آبادی های معتبر را از میان برد و عده زیادی از فضلا و دانشمندان را کشت و کتاب ها و نسخه های گرانبها را در خاک نیستی مدفون ساخت. اما از آنجایی که مغولان بدوی بودند؛ آداب مغول بعد از استیلای ایشان بر ممالک متمدنه مغلوب آداب متمدن شد. هرچند برخی از آداب و رسوم مانند یاسای چنگیزی نیز به مغلوبین سرایت کرد.<sup>۲</sup>

---

۱- رضوی، ابوالفضل. شهرسیاست، اقتصاد در عهد ایلخانان، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳

۲- اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، ص ۹۸

### ۳-۲- بررسی مناسبات یهودیان با امرای ایلخانی

بعد از تشکیل حکومت ایلخانی در ایران شاهد توطئه و دسیسه های فراوان بین منصبان مسلمان و غیر مسلمان بودیم ؛ البته بیشتر این کشمکش ها بین مسلمانان و مسیحیان رخ داد؛ یهودیان با آنکه جزئی از ساکنان ایران زمین بودند و مانند سایر ملل مورد یورش مغولان قرار گرفته بودند ؛ اما تحت تأثیر عوامل سیاسی نبودند و رابطه آنان با امرای ایلخانی جز در دوره ارغونیان مانند مسیحیان تنگاتنگ نبوده است، از این رو روابط یهودیان با مغولان را رفتار و اعمال یهودیان تعیین می کرد. واقعیت این است که تاکنون تحقیق مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است به دلیل آنکه منابع قدیم و جدید در حاشیه و به صورت گذرا به آن پرداخته اند و در دوره معاصر هم محققان داخلی و خارجی اطلاعات دقیقی در این زمینه ارائه نداده اند بدیهی است با این محدودیت ها تفحص درباره مناسبات یهودیان با امرای ایلخانی به آسانی صورت نمی پذیرد، لذا وضعیت یهودیان را در دوره ایلخانی با توجه به منابع و اطلاعات قابل دسترسی بررسی می نمایم.

### ۳-۲-۱- وضعیت روابط یهودیان با ارغون و وزارت سعدالدوله

برافتادن حکومت اسلامی به یهودیان ایران فرصت داد؛ که به فکر انتقام جویی افتند و وضع آشفته خود را سر و سامان بخشند و در دستگاه های شاهان و امیران مغول راه یابند. بنابراین با تعهد های شغلی از قبیل طبابت تقریباً در آن دستگاهها نفوذ یافتند. و سرانجام در زمان ارغون بر دیگر مذاهب پیشی گرفتند. ارغون خان چهارمین پادشاه از سلسله ایلخانیان پسر اباقا خان در سال ۶۳۸ ه.ق به ایلخانی نشست. او سیاست پدر را در جلب عیسویان و ایجاد روابط با سلاطین عیسوی بر ضد مصر دنبال کرد. ارغونیان زمام امور را به دست گرفتند و این واقعه بار دیگر نکثی در کار ملیت و دین ایجاد کرد، که با خون دل دیوانیان ایرانی تجدید حیات یافته و توفیق هایی کسب کرده بود.<sup>۱</sup>

ارغون در آغاز فرمانروایی خود خواجه شمس الدین محمد جوینی وزیر پدرش اباقا خان را از سلطنت تگودار احمد طرفداری کرده بود به طرز فجیعی به هلاکت رساند و طبیب یهودی خود سعدالدوله را به وزارت انتخاب کرد.<sup>۲</sup>

---

۱- بیانی، دین و دولت در عهد مغول، ج ۲، ص ۴۲۰  
۲- طلوعی، بازنگری تاریخ ایران، ص ۲۸۹

و بار دیگر یاسای چنگیزی و آداب مغولی به جای شریعت اسلامی حکم فرما شد.<sup>۱</sup>

شاید بتوان گفت ارغون بودیست مومنی بود، که نسبت به مسیحیان نظر مساعد داشت و لذا ضد اسلامی تر از سایر ایلخانان بود.<sup>۲</sup>

جلوس ارغون خان بت پرست، دشمن مسلمانان و حامی بودائیان و مسیحیان و یهودیان، بر تخت سلطنت، موجب برکناری و اعدام صاحب دیوان شمس الدین جوینی و ضبط اموال او خانواده اش شد. بعد از آن بوقای امیر مغول که از قبیله جلایریان بود؛ قدرت عظیمی گرفت و اداره امور نظامی و خزانه را به عهده گرفت. او در ایالت تبریز نفوذ زیادی داشت و اغلب مقامات اداری را دست نشانندگان او اشغال کرده بودند.

افزایش قدرت امیر بوقای در دربار دشمنان و رقیبان فراوان برای او تهیه کرد، هنگامی که وضع بوقای در دربار متزلزل شد؛ او به خاطر حفظ قدرت به توطئه دست زد و قصد داشت پسر عمو ارغون را به جای او منصوب کند. ولی

---

۱- رستمی، پروین. نامه تاریخ پژوهان، شماره ۲۵، ص ۶۶-۶۷

۲- مورگان، ایران قرون وسطی، ص ۹۴

دسیسه او رو شد.<sup>۱</sup> اینک مقام وزارت در انتظار چهره ای نیرومند و قابل بود چنین ویژگی هایی در سعدالدوله یهودی جمع بود.

او پسر صفی الدوله ابهری بود، که در بغداد ساکن بود و سپس در زمره طبیبان درآمد.<sup>۲</sup> او توانست با تعهد پزشکی نفوذی در آن دستگاه ها حاصل کند، بر حسب اتفاق ارغون مریض شد و توسط سعدالدوله بیماری او رفع شد.<sup>۳</sup>

او طبیبی بی نظیر و شایسته بود، ایلخان سعدالدوله را نزد خود نگه داشت. سعدالدوله هم زمانی که متوجه علاقه ارغون به جمع آوری اموال شد، صورتی از اتلاف و اسراف هر سرزمین به خصوص بغداد را فراهم کرد.<sup>۴</sup>

«چون سعدالدوله دانست که خاطر ارغون به اکتساب اموال آن و کیفیت مواقع توفیر و تقصیر عمال به عبارت قریب الصنم معروض داشت.»<sup>۵</sup>

---

۱- وپیگلوسکایا، تاریخ ایران از باستان تا سده هجدهم، ص ۳۸۷  
۲- آیتی، تحریر تاریخ و صاف، موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۳۳؛  
میر خواند، ج ۸، ص ۴۱۶۶  
۳- واله اصفهانی، محمد یوسف، خلدبرین (در تاریخ مغول)، به تصیح میر هاشم  
محدث، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰، ص ۳۷۴  
۴- خواند میر، حبیب السیر، ج ۳، ص ۱۲۸؛ خلدبرین، همانجا  
۵- میرخواند، روضة الصفا، ج ۸، ص ۴۱۶۶



بنابراین وضع بغداد را برای ارغون توجیه کرد و بازگو کرد، که از مالیات بغداد پانصد تومان به خزانه ایلخان نرسیده است.<sup>۱</sup>

ارغون که از دغدغه مکر و حيله بوقا فارغ شد؛ تمام امورات مملکت را به خاطر درایت و کاردانی سعدالدله به او تفویض کرد.<sup>۲</sup> اینگونه قدرت و نفوذ او روز به روز افزون شد و بیشتر ارکان دولت را در دست گرفت.<sup>۳</sup>

حکام مغول بیشتر بودایی بودند و در مذهب خود جهت گیری و تعصبی نداشتند؛ اختلاف مذهبی و نژادی در میان آنها تا زمان گرایششان به اسلام نقش چندانی بازی نمی کرد؛ تا زمانی که سعدالدوله یهودی توانست حدود دو سال در زمان ارغون بالاترین مقام حکومتی را اشغال نماید.<sup>۴</sup>

سعدالدوله با نفوذترین یهودی نه در آذربایجان بلکه در سراسر ایران در عرصه سیاسی شد. ابتدا اقتصاد بغداد را بعد از اختلاس های کلان بوقا و برادرش اروق سر و سامان داد.

سپس به عنوان مدیر مالی اعتماد ایلخان را جلب کرد. او مردی شیرین سخن و خوش بیان بود و به زبانهای ترکی و

---

۱- رجب زاده، سرگذشت مغولان در ایران، اهل قلم، ص ۱۷۱

۲- خواندمیر، ج ۳، ص ۱۳۱

۳- بیات، تاریخ تطبیقی، ص ۲۹۹، میرخواند، روضة الصفا، ج ۸، ص ۴۱۷۰

۴- آژند، تاریخ اجتماعی اقتصادی در ایران، ص ۷۹

مغولی آشنایی داشت، چنان مورد توجه ارغون قرار گرفت که ایلخان در جمادی الاول سال ۶۸۸ هـ. ق / ژوئن ۱۲۸۹ م او را به وزارت امپراتوری خویش برگزید.<sup>۱</sup>

سعدالدوله به زودی دست عمال و کارکنان مسلمان را از کار کوتاه کرد و یهودیان و مسیحیان را جایگزین آنها نمود، فقط خراسان و روم که در آن موقع در دست غازان و گیخاتو بود از استیلای یهودیت در امان ماند.<sup>۲</sup>

بنابراین همکیشان و نزدیکانش در اطراف مملکت منصوب شدند؛ از جمله بغداد را به برادرش فخرالدوله و فارس را به شمس الدین پسر منتخب الدوله منجم داد و دیار بکر را به برادر دیگر خود امین الدوله سپرد و تبریز را به پسر عموی خود مهذب الدوله ابو منصور طبیب داد. «و همواره از امرای بزرگ شکیثورئویان و طغاجاز و سماغاز و قونجقیان و دیگران خایف و مستشعر بود».<sup>۳</sup>

او در ابتدای کار به حکام تمام نواحی نامه نوشت: مبنی بر اینکه «که عدل و انصاف را پیشه سازند و برای جلب قلوب مردم از هیچ کوششی فرو گذار نکنند».<sup>۴</sup>

۱- بویل، جی. آ.، تاریخ کمبریج، ج ۵، ص ۳۴۷

۲- قدیانی، تاریخ فرهنگ و تمدن، ص ۱۵۴

۳- فضل الله همدانی، جوامع التواریخ، ج ۲، نشر البرز، ص ۱۱۷۵

۴- آبتی، تحریر تاریخ و صاف، موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی، ص ۱۳۴

بنابراین به سرعت اوضاع رو به بهبود نهاد و نظم و ثبات برقرار گردید و امور تجاری اصلاح و جلوی زیاده خواهی مغولان گرفته شد.<sup>۱</sup>

این اصلاحات موجب از میان رفتن تعدی و راهزنی شد و امور مالی کشور سامان یافت و همه سکنه مملکت از مساعی او بهره مند شدند.<sup>۲</sup>

با این اوصاف، خان با مشورت او تمام کارها را پیش می برد، سعدالدوله نیز مغرور شده بود و از حربه ای کار ساز سود جست و کینه و دشمنی یهودیان را نسبت به مسلمانان نمایان ساخت و تدبیری اندیشید تا ارغون را بیشتر بر ضد اسلام برانگیزاند و کار مسلمانان را یکسره کنند. هرچند ارغون نیز نسبت به مسلمانان نظر خوبی نداشت و با او در برانداختن مسلمانان همداستان شد. بنابراین از نیرویی که در میان مغولان شایع بود، برای تحریک ایلخانان بر مسلمانان بهره برد.<sup>۳</sup>

آنان همواره سعی داشتند که قوانین یاسا را در جامعه مجری سازند. بنابر این جنگی نهانی و گاه آشکار بین ایرانیان و مغول ها بر سر این موضوع درگیر بود.

---

۱- رضوی، شهرسیاست، ص ۲۴۱

۲- تاریخ کمبریج، ج ۵ ص ۳۴۷

۳- براون، ادوارد. تاریخ ادبیات ایران، بهرام مقدادی، ج ۳، مروارید، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۱۶

یهودیان برای انتقام گرفتن از مسلمانان این موضوع را دستاویز قرار دادند و سعدالدوله به ارغون چنین تفهیم کرد که نبوت از چنگیز خان به ارث به او رسیده و ایلخان نیز باید به همین ترتیب پیش روند. هر که دین او را قبول نکرد، کشتنش واجب است و در هر دوره به مقتضای زمان و مصالح مردم خداوند صاحب کتابی را برانگیخته و دینی جدید حادث گشته و هر گاه مردم به پیامبری او رضا نداده اند، صاحب کتاب مذکور با زور و قهر دین خود را به آنان قبولانیده است.

پس چون فضایل پیامبری در وجود ایلخان عادل موجود است باید او نیز دعوی جانشینی چنگیز خان و پیامبری کند، این تحریکات در ارغون که دشمن اسلام بود؛ مؤثر افتاد و چون در دربار مسلمانی باقی نمانده بود؛ که این تحریکات را دفع کند، از طرفی بودائیان نیز از این وضع راضی و خشنود بودند، عزم سلطان بیش از پیش در سرکوبی نهایی اسلام و مسلمین جزم گردید.<sup>۱</sup>

وزیر کار را از آن هم فراتر برده برای تبدیل کعبه به بتخانه، نامه هایی به اعراب یهودی نگاشت و شروع به آماده کردن سپاه ارغون برای فتح مکه شد. حتی دستوربه

---

۱- بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، ص ۴۲۵

ساختن کشتی هایی در بغداد داده بود که چوبهایش از درختان باغ خلفا و باغات دیگر تأمین شده باشد.<sup>۱</sup> به دنبال این اقدامات، نجیب الدین کحال یهودی را با فرمانی به خراسان فرستاد و اسامی دویست تن از اعیان و دانیان و توانگران آن سامان را به او داد، تا آنها را به قتل برساند.

همچنین نام هفده نفر از ائمه و بزرگان شیراز را برای شمس الدوله فرستاد، تا او نیز آنان را بکشد. ارغون در آغاز سلطنت از قتل بیزار بود حتی روزی در مجلس مهمانی دلش به حال گوسفندانی که ذیح کرده بودند سوخت؛ ولی در پایان کار در اثر وسوسه سعدالدوله در ریختن خون حریص شده بود.<sup>۲</sup>

سعدالدوله به اذیت و آزار مسلمانان پرداخت؛ هیچ کس هم جرأت نداشت از او پیش ارغون حرفی بزند چاره ای نبود تا اینکه مخالفین وزیر در انتظار فرصتی باشند تا جفاهای او را جبران کنند. در این گیرودار که خطری بزرگ برای اسلام پدید آمده بود، ارغون بیمار شد بیش از همه سعدالدوله هراسان و پریشان گشت و در صدد دلجویی از مردم برآمد و در خیرات و صدقات را برای شفای خان گشود.

---

۱- همان، ص ۴۲۶

۲- آیتی، تحریر و صاف، موسسه مطالعاتی تحقیقاتی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶،

چنانکه در یک روز هفتاد نامه به منظور رفع ظلم از مردم و آزاد کردن زندانیان و از این قبیل امور، نگاشت و به اطراف فرستاد و از صدقات سی هزار دینار برای فقرای بغداد و ده هزار دینار برای فقرای شیراز منظور داشت و به همین نسبت به همه ایالات مبالغی فرستاد ولی این خیرات و صدقات راه به جایی نبرد.

حتی در خفا با غازان که حکومت خراسان را داشت نامه نوشت تا زمام امور را به دست بگیرد و خود در دامن این شاهزاده بودایی مذهب امنیت یابد و از گزند مسلمانان در امان بماند اما قبل از آنکه غازان تصمیمی بگیرد کار سعدالدوله تمام شده بود.<sup>۱</sup>

بیماری ارغون در سال ۶۹۰هـ. ق/۱۲۹۱م این امکان را به مخالفان سعدالدوله داد که او را به قتل برسانند. مرگ او با قتل عام های ضد یهودی در تبریز و بغداد دنبال شد.<sup>۲</sup> مرگ سعدالدوله گویا اشارتی بود در سرتاسر مملکت بلوای عام علیه یهودیان برپاگردد، اموال ایشانرا غارت کرده و در بغداد نزدیک به صد نفر به قتل رسیدند.<sup>۳</sup>

---

۱- بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، ص ۴۲۶

۲- مورگان، ایران قرون وسطی، ص ۹۵

۳- براون، از سعدی تا جامی، ص ۴۵

حمدالله مستوفی می نویسد: «سعدالدوله وزیر را بکشتند و فتنه ای عظیم بادید آمد.»<sup>۱</sup>

ارغون نیز کمی بعد یعنی ربیع الاول سال ۶۹۰ هـ. ق مرد و دولت او و سعدالدوله پشت سر یکدیگر از بین رفتند. خبر قتل او موجب مسرت و شادی مسلمانان شد و بازار یهودی کشی رواج یافت. و اموال یهودیان غارت شد.<sup>۲</sup> اگر یک یهودی از معركة جان سالم به در می برد، با استهزا از جامعه طرد می شد.<sup>۳</sup>

اوج شکوفایی این فرقه در زمان سلطنت ارغون بود که با قتل وزیرش ستاره اقبال آنان رو به افول گذاشت و دیگرکارشان رونقی نگرفت. در زمان غازان هم که موج مسلمانی همه جا را فرا گرفته بود، احتمالاً تعدادی یهودی نیز برای بهتر و راحت تر زیستن، مسلمان شدند.<sup>۴</sup> با مرگ سعدالدوله ایرانیان رمقی تازه یافتند، بار دیگر تکاپو در جهت فرهنگ ایرانی آغاز گردید.

طبق اطلاعاتی که از منابع به دست آمده، می توان دریافت که سعدالدوله مدیری مدبر بود و توانست نظم و ترتیبی در

---

۱- مستوفی، حمدالله. تاریخ گزیده، ص ۵۹۹

۲- اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، ص ۲۵۷

۳- بیانی، همان، ص ۴۲۶

۴- بیانی، همان کتاب، ص ۴۶۸

امور مالی کشور برقرار کند؛ و از غارتگری اشراف و اعیان جلوگیری نماید.

برخی منابع و ماخذ از او به نیکی یاد می‌کند و صراحتاً اعلام می‌کند؛ مأموران مسلمان می‌ترسیدند که موقعیت خویش را از دست بدهند، از این رو علیه سعدالدوله شایعاتی ساختند.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان دریافت که او با نفوذترین یهودی در عرصه سیاسی ایران شد.

ابتدا اوضاع سیاسی بغداد را سر و سامان داد، سپس اعتماد سلطان را جلب کرد. و توانست حدود دو سال در زمان ارغون به بالاترین مقام حکومتی برسد. بدیهی است وضعیت یهودیان در این عهد نسبتاً آرام بود، هر چند این آرامش طولی نکشید و بعد از مرگ سعدالدوله، یهودیان با ترس به فعالیت خود ادامه می‌دادند. با همه این تفاسیل اقلیت یهودی مذهب ایران در جامعه عصر ایلخانی چندان با سختی روبرو نبودند.



### ۳-۲-۲- وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی

رشیدالدین فضل الله در سال ۶۴۵ هـ.ق/۱۲۴۷م در همدان (اکباتان قدیم) بدنیا آمد، او از خانواده یهودی بود جدش موفق الدوله شغل عطاری داشت، در آن زمان عطاران طبابت هم می کردند پدرش ابولفرج علی بن الشجاع همدانی معروف به عمادالدوله نیز طبیب بود و از مهاجرین یهودی به شمار می رفت. عمویش امین الدوله نیز از پزشکان معروف بود.<sup>۱</sup>

از دوره جوانی و آغاز میانسالی او هیچ اطلاعی در اختیار نیست. همین قدر می دانیم که او فرزند یک داروساز یهودی بود.

رشیدالدین دانشمند و مدیر کافی و نامدار ایران بود که در زمان حکومت ایلخانان مغول وزارت غازان و اولجایتو و ابوسعید را برعهده گرفت و مدت بیست سال با کمال قدرت در قلمرو حکومت ایلخانان مغول فرمانروایی داشت، و فرزندان متعدد که داشت در هریک از نواحی پهناور کشور ایلخان مغول به حکومت منصوب نمود و با درایت و تدبیر قسمت اعظم ممالک تحت نفوذ مغول را در منتهای نظم و ترتیب اداره کرد.

---

۱- بیانی، دین و دولت در ایران عهد ایلخانی، ج ۲، ص ۴۹۰

او همچنین آثار خرابی و ویرانگری حمله چنگیز و هولاکو را از بین برد؛ و به آبادانی کشور و سامان دادن تشکیلات اداری اهتمام ورزید و با قانونهای تازه ای از ظلم و بیداد قوم مغول سلطه گر تاحدی زیادی کاست، در عهد ارغون نیز امور مملکت با مشورت و صوابدید وی حل و فصل می شد و در نتیجه استعداد و لیاقت، مراحل ترقی را پیمود در دوران گیخاتو نامزد مقام وزارت شد. اما پذیرفت و هنگام سلطنت غازان خان بعد عزل و قتل زنجانی به اشتراک سعدالدوله محمد مستوفی به وزارت غازان خان منصوب شد.<sup>۱</sup>

رشیدالدین ابتدا بنا به رسم زمان و به مناسبت یهودی بودن رشیدالدوله خوانده می شد. اما هنگامی که از دین آباء و اجدادی خود برگشت به رشیدالدین لقب گرفت بسیاری از یهودیان کارگزار وی نیز مسلمان شدند؛ دشمنان وی معتقد بودند؛ که او هیچ گاه از یهودی گری دست برنداشت و در خفا به پشتیبانی از فرقه می پرداخت.<sup>۲</sup>

---

۱- مدرسی زنجانی، مجمع التواریخ السلطانیه، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۴، ص ۲۳  
۲- بیانی، همان کتاب، ص ۴۹۰

اینکه خواجه و خاندانش یهودی بودند و نو مسلمان این شک را در اذهان عمومی ایجاد می کرد که شاید او حافظ منافع یهودیان باشد.<sup>۱</sup>

درست است که مسلمان شده بود ، اما هیچ گاه نتوانسته بود که فرهنگ یهودی را که در تار و پود وجودش سرشته شده بود ، از خویشان بزدااید و این امر در نزد همه کسانی که از دین یا مرامی روی برمی گردانند؛ طبیعی و اجتناب ناپذیر است.<sup>۲</sup>

با این همه او در مجامع عمومی از منافع یهودیان دفاع نمی کرد.<sup>۳</sup> تفاسیری هم بر آیات قرآن نگاشته بود که جواب شبهات مخالفان از جمله یهودیان را میداد، همچنین با دانشمندان و مسلمانان به خوبی رفتار می کرد ؛ به نظر میرسد در این زمینه بی طرف بوده است.<sup>۴</sup>

او کوشید تا بین فلسفه و کلام، تصوف هم آهنگی ایجاد کند و فلسفه و الهیات را از پوسیدگی و کهنگی برهاند. همین وسعت دید و جهان بینی وسیع او، کوله نظران و وابستگان به مکاتب قدیم را به وحشت انداخت و بر او

---

۱- همان ، ص ۴۹۹

۲- بیانی، همان ، ص ۴۹۲

۳- اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ص ۲۵۱

۴- بیانی، همان ، ص ۴۹۲

تهمت های گوناگون بستند ، از آن میان تهمت یهودی گری از همه سخت تر بود.<sup>۱</sup>

دشمنان سیاسی او برای خوار کردن او سعی کردن اسلام او را ظاهری و ریایی جلوه دهند؛ برخی نیز پرداختن او را به علوم عقلی بهانه قرار داده و با اشاره به رساله ها و مقاله هایی که در تحلیل و تفسیر قرآن نوشته، او را متهم می کردند که این همه تفسیر را برای تضعیف اسلام و تقویت دین یهود به کار می برد.<sup>۲</sup>

با شرحی که گفته شد مخالفین رشیدالدوله و منتفذین دستگاه با هم متحد شدند تا او را سرنگون کنند؛ لذا او را متهم کردند ،که پنهانی به دین موسی گرویده است و با جهودیان ارتباط دارد و نامه هایی به «خط رمز» منظور همان خط عبری بود رد و بدل می کند .تردیدی نیست که مردم اتهامی را که به رشیدالدوله بسته می شد قابل قبول می دانستند.<sup>۳</sup>

البته رقابت بین دو رقیب (تاج الدین علیشاه و خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی) به اوج رسیده بود و کار برای دیوانیان سخت و مسائل دیوانی مختل شده بود .

---

۱- همان ، ص ۴۹۰  
۲- رجب زاده ، هاشم . آیین کشورداری در عهد رشیدالدین ، تهران ، توس ، ۲۵۳۵ شاهنشاهی ، ص ۷۸  
۳- اشپولر ، برتولد . تاریخ مغول در ایران ، ص ۲۵۰

لذا منتفدین دستگاه تصمیم داشتند؛ یکی از آن دو را حذف کنند. چون رشیدالدین با آنها همکاری نکرد، با علیشاه یکی شدند و توطئه قتل او را فراهم کردند.<sup>۱</sup> این دشمنی ها به جایی رسید که او را متهم کردند در مسموم شدن اولجایتو نقش داشته و پزشک مخصوص اولجایتو هم بیان کرد: که رشیدالدین عقیده پزشکان را برای تجویز ماده ملین تحت تأثیر قرار داده است. بر طبق شواهد نتیجه این تجویز مرگ اولجایتو بود، بلافاصله اعدام شد.<sup>۲</sup>

بدنش را قطعه قطعه کردند و به هر شهری فرستادند و سرش را در تبریز دفن کردند.<sup>۳</sup>

از آنجا که تمایلات دینی از زمینه ها و عوامل عمده و موثر در سیاست رشیدالدین و هم در تحولات سیاسی زمان او بود. لذا نسبت یهودی بودن بهترین اسلحه بود که دشمنان می توانستند بر علیه او و برای حفظ جایگاه خود از آن بهره ببرند. و اموال او را غارت کنند چنانکه مجموعه بزرگ فرهنگی ربع رشیدی را تاراج و ویران کردند.

---

۱- اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، ص ۳۴۰

۲- کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (ویژه مغول) ریون آمیتای، جواد عباسی، ص ۳۰

۳- بیانی- ج ۲، ص ۵۰۷

### ۳-۳ - بررسی روابط یهودیان با مسلمانان در دوره ایلخانان

پیش از این اشاره کردیم یهودیان همانند سایر ملل دچار مصیبت و خرابی شدند. با توجه به کمبود مدارک، اطلاعات دقیقی از زندگی یهودیان در دست نیست. با وجود بررسی های دامنه دار هنوز اطلاعات دقیقی در این زمینه حاصل نشده است. اطلاعات ما نیز از یهودیان بیشتر حول محور دوره ارغون می باشد، به احتمال قوی آنان نیز لطمات فراوانی دیدند و از بلایا مصون نبودند اما آن چنانکه مسیحیان و مسلمانان در سرنوشت کشور نقش داشتند و مورد حمایت امرای ایلخانی قرار گرفتند، جامعه یهودی چنان مؤثر نبودند. به همین دلیل در منابع هم، چندان ذکری از آنها نیامده است. از این رو بحث درباره احوال یهودیان در تمامی دوره ها ممکن نیست واقعیت این است که تاکنون تحقیق مستقلی در این زمینه صورت نگرفته است منابع قدیم و جدید هم در حاشیه و به صورت گذرا به آن پرداختند. در دوره معاصر هم محققان داخلی و خارجی به دلیل نبود منابع و اطلاعات دقیق در این باب چندان موفق عمل نکردند بنابر این نمی توان دقیقاً گفت که یهودیان نسبت به ساکنان هر محل چگونه بودند. از رفتار دوستانه

فرمانروایان مغول نسبت به پیروان مسیحی در آثار مورخان ایرانی نیز چندان ذکری از یهودیان نمی آید. بیش از همه دوران ارغون مطالب ارزنده ای در این زمینه ارائه می دهد.

دوره فرمانروایی او حاکی بازگشت روزگار هواداری از بودائیان و مسیحیان بود، یعنی ارغون هم روش پدر و پدر بزرگ خود را پیش گرفت. مسلمانان بار دیگر از قدرت و محبوبیت افتادند و از فشاری که سخت تر از فشار دوره اباقا بود به ناله در آمدند.<sup>۱</sup>

استقلال سعدالدوله نیز منجر به سرشکستگی و عقب افتادگی مسلمانان شد ارغون و وزیرش هر دو نسبت به مسلمین بدگمان بودند. بنابراین شروع به قطع دست این قوم از کارها کردند؛ و قرار شد که در امور جمع و خرج ممالک ایلخانی فقط عیسویان و یهودی را به کار بگمارند. البته سعدالدوله برای اینکه قلب مردم را جذب کند،<sup>۲</sup> دستور داد که دعاوی بین مسلمانان را طبق قوانین اسلامی رفع و رجوب کنند نه طبق قوانین و عرف و عادات مغولان. همچنین اعتبار اوقاف را افزود و به علماء و فضلاء و ادبا کمک خرج اعطاء می کرد.

---

۱- ساندر، تاریخ فتوحات مغول، ص ۱۳۱

۲- اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، صص ۲۵۳-۲۵۴

از این رو مسلمانان نمی توانستند او را ملامت و توبیخ کنند. فقط من باب عیب جویی می گفتند او را هم مشاغل کشوری را به همکیشان خود واگذار نموده است.<sup>۱</sup>

او رضایت ایلخان وحتى مردم را تا جایی که دشمنان او نیز اعتراف می کردند؛ جلب کرده بود.

او نظام اداری را با موفقیت اصلاح و دفاتر را موازنه کرده بود. اما این اصلاحات درآمد بزرگان مغول را کاهش میداد. و مسلمانان و مسیحیان نیز از اینکه به فرمانهای یک یهودی عمل کنند معترض بودند.<sup>۲</sup>

بنابراین هیچ مسلمانی حق داشتن کار دیوانی و حکومتی و همچنین حق ورود به اردوی خان را نداشت و کار یهودیان به اوج اعتلا رسیده بود.<sup>۳</sup>

در این دوره عده ای از یهودیان از تفلیس به بغداد آمدند و مردم بین النهرین را آن چنان غارت کردند که در مدت کوتاهی شورش بر پا شد و مردم دکان های یهودیان را چپاول کردند، به طوری که ارغون خود ناگزیر شد، که دست یهودیان را تا حدی کوتاه کند، با این همه سعدالدوله آشکارا منافعی را که در دوران حکومت او برای بستگان و هم کیشانش به دنبال داشت می ستود.

---

۱-گروسه، امپراتور صحرانوردان، ص ۶۰۸-۶۰۹

۲- مورگان، ایران قرون وسطی، ص ۹۵

۳- آیتی، تحریر تاریخ و صاف، همان کتاب، ص ۱۴۳



کار این وزیر یهودی به جایی رسید که رسماً دخالت مسلمانان را در مناصب عالی ممنوع کرد این رفتار آن چنان خشم مردم برانگیخت، که آیات ضد یهودیان را از قرآن شاهد آورند و پیش از آن که ایلخان ارغون بمیرد او را کشتند.

وجود سعدالدوله یهودی در منصب وزارت به طور غیرمستقیم در وضع یهود در دوران فرمانروایی مغولان تأثیر فراوان داشت. او مانند بسیاری از یهودیان چنان در دربار نفوذ یافت و می‌کوشید تا فرمانروا را از صدور فرمان‌هایی که به ضرر هم‌نژادان اش است به طرز بسیار مرموزی منع کند.<sup>۱</sup> مرگ او آتش‌کینه مردم را فرو نشانید. گروهی شایع کردند که یهودیان ارغون را مسموم کرده‌اند، این خبر در واقع ناصحیح بود، زیرا یهودیان به سلطنت ایلخانی که تا این اندازه در آن آسایش داشتند علاقمند می‌بودند و از سویی دیگر طبق منابع مشاهده می‌کنیم، که ارغون به توصیه یک مرتاض هندی به تمرین‌های طول‌عمر پرداختند و همین تمرین‌ها موجب مرگ او شد.

---

۱- اشپولر، ص ۲۸۴

مردم مسلمان هم نمی توانستند در مرگ فرمانروایی چون ارغون سوگوار باشند، با این شایعات نفرت خود را نسبت به یهودیان علنی می کردند. به هر حال این جریانات منجر به تعقیب سرسختانه یهودیان شد و زجر و آزار یهودیان مدت ها دوام داشت.

در شیراز که ظاهراً گروه کثیری یهودی در اطراف آن می زیسته اند در این گیر و دار آتش سوزی شد و مردم تقصیر را به گردن یهودیان انداختند. در نتیجه یهودیان این منطقه مدتی طولانی مورد تجاوز و ستم قرار گرفتند.

مردم نفرت زیادی از یهودیان پیدا کرده بودند حتی در دوره وزارت رشیدالدین نیز می پنداشتند که او یهودی است و همیشه به دیده شک به او می نگریستند.<sup>۱</sup> یهودیان هنوز از دوران سعد الدوله تعدادی در دستگاه باقی بودند احتمالاً از سمت خواجه رشیدالدین حمایت می شدند در دسته سواران سلطان نیز تعدادی یهودی وجود داشت.<sup>۲</sup>

ولی این گروه نه تنها کار عمده ای از پیش نبردند، بلکه صدمات جدیدی نیز خوردند. چنانکه در چهار فرسنگی شمال کربلا مقبره ذولکفل پیامبر واقع بود که بنی اسرائیل

---

۱- اشپولر، همان، ص ۲۴۹

۲- کاشانی، تاریخ اولجایتو، ص ۱۲۴

آن را چون کعبه مسلمانان زیارت می کردند و اهمیت فراوانی داشت و محل رفت و آمد یهودیان بود. اولجایتو تولیت آرامگاه را از یهودیان گرفت و به مسلمانان داد. حتی در آنجا مسجدی بنا کرد به این ترتیب این کانون تجمع از اهمیت انداخت و دست یهودیان را از ناحیه کوتاه کرد.<sup>۱</sup>

با این همه وضعیت یهودیان در این عهد مخصوصاً دوران اولجایتو بر اقلیت ها سخت می گرفت نسبتاً آرام بود، بعد از ماجرای سعدالدوله یهودیان خسته و گریخته به فعالیت خود ادامه دادند. احتمالاً در همان زمان بقعه استر ملکه یهودی مذهب خشایار شاه، شاهنشاه هخامنشی در همدان مرمت شد و کنیسه ای در اصفهان نیز در همین عصر تجدید گردید. در سال ۷۱۰ ه.ق مزار مردخای از بزرگان دوران خشایار شاه و خویشاوند استر نیز مرمت گردید.<sup>۲</sup>

از شاعران معروف این عصر ملا میخائیل معروف به امینا کاشانی بود، که از زمان ارغون تا زمان اولجایتو می زیسته او هرگز در اشعار خود اشاره ای به کشتار یهودیان نکرده؛ او سعی داشت تورات را به نظم در آورد که به علت

---

۱- بیانی، دین و دولت در ایران عهد ایلخانی، ج ۲، ص ۴۸۷

۲- بیانی، همان، ص ۵۰۱

جو نامساعد آن زمان موفق به این کار نشد.<sup>۱</sup> با توجه به آنچه گذشت نمی توان در این زمینه اطلاعات دقیقی تری ارائه داد.

---

۱- بیانی، همان، ۵۰۲

نتیجه

منابع و مأخذ

نتیجه:

استقرار ایلخانان مغول، بعد از حمله اولیه آنان نشانه پیروزی فرهنگ و تمدن و نظام دیوان سالاری ایرانی بر خوی ویرانگری مغولان بود.

ایلخانان مغول در این مرحله بخش عمده ای از فرهنگ و عقاید خود را به همراه داشتند. در نتیجه تضعیف مذهب تسنن و پدید آمدن فضای مناسب برای پیروان مذهب تشیع بود.

تنوع فعالیت های مذهبی در مرکزیت حکومت ایلخانان به دلیل عدم تعصب مذهبی ایلخانان ؛ بسیار رایج بود.

یهودیان ایرانی هم در سایه حمایت بعضی از صاحب منصبان یهودی و همچنین ماهیت حکومت ایلخانی در دربار ایلخانان موقعیت برتری پیدا کردند، با آنکه جزئی از ساکنان ایران زمین بودند و مانند سایر ملل مورد یورش مغولان قرار گرفته بودند. اما تحت تأثیر عوامل سیاسی نبودند و رابطه آنان با امرای ایلخانی جز در دوره ارغونیان مانند مسیحیان تنگ تنگ نبوده است، برافتادن حکومت اسلامی به یهودیان ایران هم فرصت داد تا وضع آشفته خود را سر و سامان بخشند و در دستگاه های شاهان و امیران

مغول راه یابند. بنابراین با تعهد های شغلی از قبیل طبابت تقریباً در آن دستگاهها نفوذ یافتند و سرانجام در زمان ارغون یهودیان بر دیگر مذاهب پیشی گرفتند. دلایل گرایش ایلخانان به و یهودیت، استوار نبودن آیین شمنی و یافتن متحدان مسیحی برای پیشرفت فتوحاتشان مطرح شد.

جامعه یهود هم مانند بقیه ادیان با استفاده از عدم تعصب مغولان نسبت به ادیان توانست بتدریج موفقیت خود را مستحکم سازد.

بدیهی است در دوره ای که مغولان در ایران حکومت ایلخانی را تأسیس کردند، با همه فراز و نشیب ها اقلیت های یهودی مذهب ایران در جامعه ایلخانی چندان با سختی روبرو نبودند.

واکنش مردم مسلمان ایران در مقابل گرایش و همکاری با یهودیان در این محدودیت بود که با برچیده شدن دستگاه خلافت و از بین رفتن تعصبات مذهبی، مردم آزادی بیشتری یافتند.

و برای مقابله با تبلیغات ادیان در میان ایلخانان دست به فعالیت های گسترده ای برای ترویج اسلام و شیعه زدند.

یهودیان نیز از بلایا مصون نماندند. اما آنچه آنچنان که مسیحیان و مسلمانان در سرنوشت کشور نقش داشتند جامعه یهود چندان موثر نبودند. از این رو اوج شکوفایی این فرقه زمان سلطنت ارغون بود.



## فهرست منابع و مأخذ:

### الف: منابع اصلی

- ۱- آیتی، عبدالمحمد، تحریر تاریخ و صاف، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ج دوم، ۱۳۷۲
- ۲- خواند میر، حبیب السیر، دبیر سیاقی، ج ۳، نشر کتابفروشی خیام، تهران، ج سوم، ۱۳۶۲
- ۳- فضل الله همدانی، رشیدالدین. جامع التواریخ، بهمن کریمی، نشر اقبال، تهران، ج چهارم، ۱۳۷۴
- ۴- ----- جامع التواریخ، ج ۲، محمدروشن، مصطفی موسوی، البرز، تهران، ۱۳۷۳
- ۵- کاشانی، ابولقاسم عبدالله بن محمد، تاریخ اولجایتو، به کوشش مهین همبلی، بنگاه ترجمه نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۸
- ۶- مدرسی، زنجانی، مجمع التواریخ السلطانیه، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴
- ۷- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به کوشش عبدالحسین نوایی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۳۹
- ۸- میر خواند، روضة الصفا، ج ۵ و ۸، جمشید کیان فر، اساطیر، تهران، ۱۳۸۰
- ۹- واله اصفهانی، محمد یوسف، خلدبرین (در تاریخ مغول)، به تصیح میر هاشم محدث، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۰

## ب: تحقیقات جدید:

۱۰- آژند، یعقوب. تاریخ اجتماعی اقتصادی در ایران، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶

۱۱- اشپولر، برتولد. تاریخ مغول در ایران، محمود میر آفتاب، علمی و فرهنگی، تهران، چ پنجم، ۱۳۷۴

۱۲- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، سپهداب، تهران، ۱۳۸۹

۱۳- براوان، ادوارد. از سعدي تا جامي، علي اصغر حکمت، به سرمایه

۱۴- بویل، جی. آ. تاریخ کمبریج، حسن انوشه، چ ۵، امیرکبیر، تهران، چ پنجم، ۱۳۸۱

۱۶- بیات، عزیزالله. تاریخ تطبیقی ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۱

۱۷- بیانی، شیرین. مغولان و حکومت ایلخانی، سمت، تهران، ۱۳۷۹

۱۸- -----، دین و دولت در عهد مغول، چ ۲، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱

۱۹- -----، دین و دولت در عهد مغول، چ ۳، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۵

۲۰- ج.ج. ساندر، تاریخ فتوحات مغول، ابولقاسم حالت، امیرکبیر، تهران، چ نجم، ۱۳۹۰

۲۱- رجب زاده، هاشم. سرگذشت مغولان در ایران از چنگیز تا هولاکو، اهل قلم، تهران، ۱۳۸۴

۲۲- ..... آیین کشورداری در عهد رشیدالدین، تهران، توس، ۲۵۳۵ شاهنشاهی

- ۲۳- رضوی، ابوالفضل. شهرسیاست، اقتصاد در عهد ایلخانان، امیر
- ۲۴- طلوعی، محمود. بازنگری تاریخ ایران از عهد باستان تا امروز، انتشارات تهران، ۱۳۸۸
- ۲۵- قدیانی، عباس. تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره مغول، فرهنگ مکتوب، تهران، ۱۳۵۹
- گروسه، رنه. امپراطور صحرانوردان، عبدالحسین میکده، نشر علمی و فرهنگی، تهران، چ دوم، ۱۳۶۵
- ۲۶- لوی، حبیب، تاریخ یهود ایران، ج ۳، کتابفروشی بروخیم، ۱۳۳۹
- ۲۷- لین، جورج، ایران در اوایل عهد ایلخانان، ابولفضل رضوی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۹
- ۲۸- مصطفوی، علی اصغر، ایرانیان یهودی، بامپاد، ۱۳۶۹
- ۲۹- مورگان، دیوید. ایران در قرون وسطی، عباس مخبر، طرح نوتاریخ فرهنگ، تهران، ۱۳۷۳
- ۳۰- هوشنگی، ل-موسی پور-پفایز، چارلز-باغستانی، اسماعیل، درباره یهود (بنی اسرائیل، تورات، تلمود) نشر کتاب مرجع، تهران، ۱۳۹۰
- ۳۰- وپیگلوسکایان، و... تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، کریم، کشاورز، ج ۲، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹

### ج: مقالات:

۳۱- رستمی، پروین. نامه تاریخ پژوهان، شماره ۲۵، سال هفتم، بهار

۱۳۹۰

۳۲- ریون آمیتای، جواد عباسی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (ویژه

مغول)، شماره ۹-۱۰-۱۱، سال هفتم،

(۸۱-۸۳) تیر، مرداد، شهریور، ۱۳۸۳

۳۳- محمد حسن نیا، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره

۱۵۹، تهران، ۱۳۹۰